

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۰/۱۵

تاریخ تصویب مقاله: ۹۰/۵/۱۰

## رابطه بین شخصیت والدین و طرد و پذیرش کودکان توسط آنها

دکتر فریبا یزدخواستی\* و سحر قاسمی\*\*

### چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه بین شخصیت والدین و پذیرنده و طرد کننده بودن آنها نسبت به فرزندانشان بود. بدین منظور نمونه ای متشکل از ۴۰ دختر و ۳۰ پسر از دانش آموزان سوم و چهارم ابتدایی به همراه والدینشان به روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و پرسشنامه‌های NEO\_FFI و پرسشنامه طرد و پذیرش والدین (PARQ) بر روی آنها به مورد اجرا گذاشته شد. نتایج به دست آمده نشان داد که در دانش آموزان دختر میان دو عامل شخصیت وجدانی بودن و باز بودن نسبت به تجارب مادر، با طرد و پذیرش آن‌ها نسبت به فرزندان ارتباط معنادار وجود دارد. علاوه بر این، بین سه عامل شخصیت نوروtizم، توافق و برونگرایی پدران، با طرد و پذیرش آن‌ها نسبت به فرزندان ارتباط معنادار مشاهده گردید. در دانش آموزان پسر، شخصیت برونگرایی مادران با طرد و پذیرش آن‌ها نسبت به فرزندان ارتباط داشته و چهار عامل شخصیت باز بودن، وجدانی بودن، نوروtizم و توافق پذیری پدران با طرد و پذیرش آن‌ها نسبت به فرزندان رابطه داشت. در مجموع نتایج نشان داد که والدین

\*استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان Email:faribayazdkhasti@yahoo.com

\*\*گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان

با ویژگی‌های شخصیتی وجدانی، باز نسبت به تجارب، دارای توافق و برونگرا، والدینی پذیرنده و والدین با ویژگی‌های شخصیتی نوروتیزم والدینی طرد کننده می باشند.

**واژه های کلیدی:** شخصیت، طرد و پذیرش والدین.

#### مقدمه

شخصیت به مجموع ویژگی‌های فیزیکی، روانی، هیجانی و اجتماعی اطلاق می شود که فرد را موجودی بی همتا و متفاوت از دیگر افراد می سازد. این ویژگی‌ها در زندگی روزمره به صفاتی پایدار در خلال زمان باز می گردند که از موقعیتی به موقعیت دیگر تغییر چندانی نکرده و به ماهیت وجودی فرد اشاره دارند. به طور عام، رفتار ما تحت تأثیر این ویژگی‌ها و توانایی‌های شناختی و هیجانی قرار داشته و برای پیش بینی رفتار باید این ویژگی‌ها به طور دقیق مورد بررسی قرار گیرند. (حق شناس، ۱۳۸۵)

سبک‌های فرزند پروری و شیوه‌های پاسخگویی در ارتباط با والدین برای پرورش کودکان خود نیز، از جمله رفتارهایی هستند که متأثر از ویژگی‌های شخصیتی می باشند. اینکه والدی نسبت به کودک خود پذیرنده؛ یعنی عشق و احساس مثبتش را هم به صورت فیزیکی هم به صورت کلامی ابراز می کند (روهنر<sup>۱</sup>، خالق<sup>۲</sup>، و کورنویر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵) و یا طرد کننده؛ یعنی با خصومت، پرخاشگری و یا غفلت و مسامحه با کودک رفتار کند (روهنر، ۲۰۰۴) همگی بر نحوه زیستن بزرگسالی که امروز کودک ما محسوب می شود، تأثیر گذار است. در این پژوهش تنها به یکی از هزاران عامل تأثیرگذار پرداخته شده است "شخصیت والدین" عبارت است از آنچه که نحوه تعامل والدین را با کودک تحت تأثیر قرار می دهد.

اگرچه مطالعات زیادی در رابطه با شخصیت بزرگسالان و تأثیر آن بر روی رفتار و عملکرد اجتماعی آن‌ها صورت گرفته است، لکن مطالعات چندانی در رابطه با نقش شخصیت در نحوه

<sup>1</sup> - Rohner

<sup>2</sup> - Khaleque

<sup>3</sup> - Cournoyer

پاسخگویی آنها نسبت به فرزندان مشهود نیست. (بلسکی<sup>۱</sup> و بارندز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲؛ کلارک<sup>۳</sup>، کوچانسکا<sup>۴</sup>، و ردی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰) در مدل بلسکی فرزند پروری تحت تأثیر سه عامل قرار دارد: ۱- شخصیت والدین، ۲- ویژگی های شخصی کودکان، ۳- استرس ها و حمایت های موجود در بطن زندگی فرد. که از بین این سه عامل شخصیت والدین مهمترین عامل می باشد. (بلسکی ۱۹۸۴)

بلسکی و بارندز (۲۰۰۲) در طی بررسی بر روی ۹۴ مادر و ۷۸ پدر نشان دادند که سه ویژگی شخصیتی باز بودن نسبت به تجارب، میزان عصبیت و هیجان پذیری با رفتار کودکان ارتباط دارد. والدین مقتدر (خصوصاً مادران) و والدینی که خود را از نظر احساسات کودکانشان درگیر می کنند (خصوصاً پدران) افرادی هستند که بیشترین سهم را در پیدایش رفتارهای بهنجار کودکانشان دارند. این والدین در هیجان پذیری نمره بالا و در باز بودن نسبت به تجارب، نمره متوسط رو به بالا کسب می کنند. علاوه بر ارتباط مستقیم بین شخصیت والدین و رفتار کودکان شخصیت والدین با تأثیرگذاری بر روی رفتار آنها و سپس تأثیر بر رفتار کودکان نیز به طور غیر مستقیم بر واکنش های کودکان تأثیر می گذارد. از جمله رفتارهای والدین که باعث رشد طبیعی و سطوح پایین مشکلات رفتاری می شوند گرم و پاسخگو بودن والدین و کنترل بر روی رفتار کودکان می باشد. (بامریند<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶) از طرف دیگر نوروتیزم والدین با پاسخگو بودن آنها ارتباط منفی دارد. (لوسویا<sup>۷</sup>، کالر<sup>۸</sup>، رو<sup>۹</sup>، و گلدسمیت<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۷؛

1 - Belsky  
2 - Barends  
3 - Clarck  
4 - Kochanska  
5 - Ready  
6 - Bumrind  
7 - Losoya  
8 - Callor  
9 - Rowe  
10 - Goldsmith

متساپلتو<sup>۱</sup> و پولکینن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳) شواهد تجربی ارتباط بین شخصیت والدین و فرزند پروری آن ها را ثابت کرده است. برای مثال والدین حمایت کننده و مسؤول بروننگراتر و نسبت به تجارب بازتر (متساپلتو و پولکینن، ۲۰۰۳) و همچنین توافق پذیرتر (بلسکی، کرنیک<sup>۳</sup> و ودورث<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵) و با وجدان تر (کلارک و همکاران، ۲۰۰۰) می باشند و نورو تیزم کمتری دارند. (متساپلتو و پولکینن، ۲۰۰۳) بلسکی (۱۹۸۴) بیان می دارد که شخصیت در تعامل با استرس ها و منابع حمایتی محیط، ظرفیت والدین را برای مراقبت و بهبود رشد کودکان تعیین می کند. روهنر مکانیسم های تأثیر گذار بر شخصیت والدین که بر روی پذیرنده و طرد کننده بودن آنها نسبت به فرزندان شان تأثیر می گذارد را بر اساس تئوری شخصیت خود آشکار می سازد. در تئوری شخصیت روهنر (۲۰۰۷) شخصیت استعداد و آمادگی برای پاسخگویی (برای مثال احساسات، شناخت، ادراک و انگیزش) و روش واقعی پاسخگویی (رفتارهای آشکار) در موقعیت ها و یا بافت های حقیقی و گوناگون زندگی تعریف شده است. این تعریف رفتار فرد را متأثر از عوامل بیرونی (محیطی) و درونی (احساس، بیولوژیک) که معمولاً دارای نظم و ترتیب خاصی در طول عمر می باشد می داند. تئوری شخصیت اذعان می دارد که احتیاج هیجانی به پاسخ های مثبت دیگران یک انگیزه قوی بوده و وقتی این احتیاج کودک توسط والدین ارضا گردد، این کودکان مستعد پاسخگویی هیجانی و رفتاری به شیوه خاصی خواهند شد و افرادی که احساس طرد شدگی می کنند، احتمال بیشتری دارد که اضطراب و احساس عدم امنیت نشان دهند. این افراد طرد شده به منظور ارضا کردن احتیاجات خود اغلب تقاضای دریافت پاسخ های مثبت را افزایش می دهند که این باعث وابستگی بیشتر آن ها به دیگران می شود. لغت وابستگی در این تئوری به احساس درونی و روان شناختی اشتیاق به حمایت هیجانی، توجه، پرستاری و رفتارهای مشابه اشاره دارد و در مورد کودکان کوچکتر این تقاضا به شکل چسبیدن به والدین،

<sup>1</sup> - Metsapelto

<sup>2</sup> - Pulkkinen

<sup>3</sup> - Crnic

<sup>4</sup> - Woodworth

نق زدن یا گریه کردن هنگام جدایی از والدین و جست و جوی مجاورت جسمی با آن ها، هنگام بازگشت آن ها به خانه ظاهر می شود. کودکان بزرگتر و بزرگسالان ممکن است که احتیاجاتشان به پاسخ های مثبت به شکل نمادی تر یعنی جست و جوی تأیید، حمایت، آرامش، تسلی از افرادی که برای آن ها مهمترین است، ظاهر سازند.

بر اساس این تئوری طرد والدین علاوه بر وابستگی، به پی آمد های شخصیتی دیگری نیز می انجامد که خصومت، پرخاشگری منفعل یا مشکلات روان شناختی با مدیریت خصومت، ناپاسخگویی هیجانی، عزت نفس پایین، خودکارایی پایین، بی ثباتی هیجانی و دیدگاه منفی به جهان از آن جمله اند. به دلیل این آسیب های روانشناختی، بعضی افراد طرد شده دچار استقلال دفاعی می گردند؛ استقلال دفاعی شبیه استقلال سالم است با این تفاوت که این افراد تقاضای کمتری برای دریافت پاسخ های مثبت نشان می دهند. اگر چه افراد دارای استقلال دفاعی نسبت به افراد سالم خواستار پذیرش، حمایت و پاسخ های مثبت بیشتری از دیگران هستند، خود آن ها این تمایل را تشخیص نمی دهند. در واقع به دلیل خشم، بی اعتمادی، و دیگر هیجانات منفی ناشی از طرد والدین، این افراد معمولاً این نیاز را نادیده می گیرند. جملاتی که این افراد معمولاً به طور آشکار یا پنهان در ارتباط با دیگران به کار می برند عبارتند از: برو به جهنم، من به تو احتیاجی ندارم، من به هیچ کس احتیاجی ندارم. این افراد در هنگام بزرگسالی نیز در ارتباط با فرزندان خود آن ها را طرد کرده و روش های کنترل سختی را به کار می برند، چون خودشان نیز با همین روش پرورش یافته اند. (روهنر، ۲۰۰۷) با توجه به مطالب فوق از آنجایی که رابطه شخصیت والدین و پذیرنده و طرد کننده بودن آنها نسبت به فرزندان به صورت دورانی عمل می کند، می تواند ضامن سلامت یک جامعه و یا بلعکس بیماری آن باشد. بنابراین بررسی چگونگی این رابطه می تواند راهگشای مشاورین و درمانگران به منظور سازماندهی جلسات مداخله جهت ارتقاء ویژگی های شخصیتی مثبتی که با پذیرش فرزندان توسط والدین در ارتباط است، قرار گیرد.

بنابراین، هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه بین شخصیت والدین و پذیرنده و طرد کننده بودن آنها نسبت به فرزندانشان می باشد.

### روش

نمونه آماری این پژوهش متشکل از ۷۰ دانش آموز مشغول به تحصیل در مقطع چهارم و پنجم مدارس ابتدایی شهرستان شهرضا و والدینشان می باشد (کل نمونه ۲۱۰ نفر) که به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. ابتدا از بین هر یک از مدارس (دخترانه و پسرانه) شهرستان شهرضا یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه به صورت تصادفی انتخاب و سپس از بین سه کلاس چهارم و سه کلاس پنجم در مدرسه دخترانه تعداد ۴۰ نفر و از بین دو کلاس چهارم و دو کلاس پنجم مدرسه پسرانه تعداد ۳۰ نفر، به طور تصادفی انتخاب شدند.

به هر دانش آموز پرسشنامه طرد و پذیرش پدر، طرد و پذیرش مادر و دو پرسشنامه NEO\_FFI برای بررسی شخصیت هر کدام از والدین داده شد. پرسشنامه های طرد و پذیرش توسط خود دانش آموزان و پرسشنامه های شخصیت توسط والدین تکمیل شد.

پرسشنامه NEO\_FFI یکی از پرسشنامه های مربوط به ارزیابی ساخت شخصیت افراد ۱۸ سال به بالا است، که در سال ۱۹۸۹ توسط کاستا و مک کری تهیه شده است. ترجمه و انطباق فارسی این آزمون نیز توسط حسن حق شناس در سال ۱۳۸۵ صورت گرفته است. این پرسشنامه دارای ۲۴۰ سؤال خود ارزیابی و پنج عامل نورو تیزم، برون گرایی، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن، وجدانی بودن می باشد. آلفای کرونباخ برای مؤلفه های این پرسشنامه توسط حق شناس ۰/۴۸ تا ۰/۸۷ برآورد شده است.

پرسشنامه طرد و پذیرش والدین PARQ<sup>۱</sup> به منظور سنجش میزان ادراک کودکان از طرد و پذیرش والدین تهیه شده است که توسط کودکان سنین ۸ تا ۱۸ سال تکمیل می گردد. این

<sup>۱</sup>- Parental Acceptance-Rejection Questionnaire

پرسشنامه دارای ۲۴ سؤال و از نوع بسته پاسخ است، پاسخ سوالات از تقریباً همیشه نادرست (۱) تا همیشه درست (۴) درجه بندی شده است. این پرسشنامه شامل دو عامل پذیرش و طرد می باشد، که از جمع نمرات آیتم های پرسشنامه، به صورت معکوس و مستقیم نمره کل طرد و پذیرش والدین به دست می آید. بنابراین نمره بالا نشان دهنده طرد بالا و نمره پایین نشان دهنده پذیرش بالا است. براساس بالا و پایین بودن نمرات طرد و پذیرش نسبت به میانگین آنها، چهار ترکیب: پذیرنده، طرد کننده، دوسوگرا و اجتنابی حاصل می شود. این دسته بندی بر اساس طبقه بندی ارائه شده توسط سازنده ی آزمون انجام شد (جدول ۱).

جدول ۱: چهار گروه به دست آمده از ترکیب دو عامل طرد و پذیرش پدر بر اساس

پرسشنامه طرد پذیرش والدین

نام گروه	عاملها	سطح نمرات نسبت به میانگین
پذیرنده	پذیرش طرد	بالا پایین
طرد کننده	پذیرش طرد	پایین بالا
اجتنابی	پذیرش طرد	پایین پایین
دوسوگرا	پذیرش طرد	بالا بالا

آلفای کرونباخ این پرسشنامه توسط روهنر (۲۰۰۷) در آمریکا ۰/۷۷ گزارش گردید. این پرسشنامه برای اولین بار در ایران و در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. در مرحله ی اول ابتدا مقیاس ها به زبان فارسی برگردانده شده و بعد ترجمه فارسی توسط یکی از اساتید گروه زبان انگلیسی به زبان انگلیسی ترجمه عکس شد و با اصل پرسشنامه مطابقت داده شد. سپس برای بررسی روایی صوری، مقیاس ها در اختیار عده ای از روانشناسان قرار داده شد تا روایی صوری آن بررسی گردد. پس از اصلاحات لازم به منظور تعیین قابلیت فهم سؤالات،

پرسشنامه در یک نمونه محدود مورد بررسی قرار گرفت تا اشکالات احتمالی مشخص گردد و پس از رفع اشکالات، فرم نهایی تهیه شد. بعد از تهیه فرم نهایی، مقیاس در اختیار آزمودنی ها قرار گرفت و نتایج استخراج گردید. در تحقیق حاضر ضریب همسانی درونی آزمون برابر با ۰/۹۲ محاسبه شد. همچنین ضریب همسانی درونی عامل های پرسشنامه طرد و پذیرش والدین ویژه کودکان عبارتند: از طرد ۰/۹۱ و پذیرش ۰/۸۸. همچنین در این پژوهش برای ارزیابی روایی سازه این پرسشنامه، همبستگی بین عامل ها با نمره کل محاسبه شده است که نتایج نشانگر روایی سازه مناسب آن می باشد (جدول ۲).

جدول ۲: ضریب آلفا و همبستگی نمرات با کل عامل ها (روایی سازه)

عامل ها	تعداد سوال	ضریب آلفا	همبستگی هر عامل با کل نمرات
پذیرش	۲۰	۰/۹۰	۰/۸۵
طرد	۱۰	۰/۷۱	۰/۸۱

#### یافته ها

نتایج ضریب همبستگی پیرسون به منظور تعیین رابطه عامل های شخصیت مادران با طرد و پذیرش مادران در گروه دانش آموزان دختر نشان داد که از بین عامل های شخصیت مادران، عامل های باز بودن و وجدانی بودن با طرد و پذیرش مادران در گروه دانش آموزان دختر رابطه دارد (جدول ۳).

جدول ۳: خلاصه ضرایب همبستگی پیرسون برای رابطه بین عامل های شخصیت والدین

#### با طرد و پذیرش آن ها

عامل های شخصیت	جنسیت	باز بودن	نوروتیزم	برون گرایی	توافق	وجدانی بودن
طرد و پذیرش مادر	پسر	-	-	-۰/۳۶*	-	-۰/۳۸*
	دختر	-۰/۳۲*	-	-	-	-۰/۳۵*
طرد و پذیرش پدر	پسر	-۰/۴۲*	۰/۳۵*	-	-۰/۳۵*	-۰/۴۲*
	دختر	-	۰/۴۱**	-۰/۴۲*	-۰/۳۲*	-

\* $P < 0.05$     \*\* $P < 0.01$



میانگین تعدیل شده ی این عامل های شخصیت بر حسب طرد و پذیرش مادران، نشان داد که با افزایش میزان باز بودن و وجدانی بودن، میزان طرد مادران کاهش و پذیرش آن ها افزایش می یابد (جدول ۴).

جدول ۴: میانگین تعدیل شده عامل های شخصیت والدین بر حسب طرد و پذیرش آنها

بازبودن	نوروتیزم		برون گرایی		توافق		وجدانی بودن		جنسیت
	انحراف میانگین معیار	میانگین	انحراف میانگین معیار	میانگین	انحراف میانگین معیار	میانگین	انحراف میانگین معیار	میانگین	
۲/۹	۴/۰۸	۲۴/۴۵	۵/۰۵	۲۶/۱۲	۶/۴۴	۲۸/۸۵	۷/۸۴	۳۲/۸۲	پسر
۵/۷۱	۳/۵۲	۳۷/۲۵	۱۱/۳۱	۲۳/۲۱	۰/۷۱	۲۷/۹۳	۰/۱۲	۳۲/۵۱	دختر
۵/۱۹	۷/۶۷	۲۹/۱۱	۲/۶۶	۲۹/۴۲	۶/۴۸	۲۹/۲۱	۶/۱۹	۳۵/۶۳	پسر
۴/۴۵	۴/۷۶	۲۷/۵۲	۴/۹۰	۲۸/۱۲	۴/۱۲	۳۱/۷۲	۶/۲۲	۳۳/۱۲	دختر
۳/۲۹	۷/۳۳	۲۰/۵۲	۷/۶۸	۲۲/۱۱	۶/۴۸	۳۲/۲۵	۶/۴۱	۳۳/۹۰	پسر
۳/۱۲	۵/۶۹	۲۰/۵۳	۵/۷۳	۳۰/۱۴	۴/۱۶	۳۱/۵۳	۵/۳۶	۳۳/۷۱	دختر
۵/۶۳	۷/۶۹	۲۸/۵۰	۵۲/۵۱	۳۲/۳۴	۶/۳۹	۳۲/۹۲	۴/۴۴	۳۹/۲۲	پسر
۲/۸۱	۸/۴۱	۲۳/۶۲	۶/۹۷	۲۷/۸۳	۴/۳۸	۳۰/۴۱	۷/۵۷	۳۷/۴۵	دختر

نتایج ضریب همبستگی پیرسون به منظور تعیین رابطه عامل های شخصیت مادران با طرد و پذیرش مادران در گروه دانش آموزان پسر نشان داد که از بین عامل های شخصیت مادران

عامل‌های برونگرایی و وجدانی بودن با طرد و پذیرش مادران در گروه دانش‌آموزان پسر رابطه دارد. (به جدول ۳ رجوع شود)

میانگین تعدیل شده‌ی این عامل‌های شخصیت بر حسب طرد و پذیرش مادران، نشان داد که با افزایش میزان برون‌گرایی و وجدانی بودن، میزان طرد مادران کاهش و پذیرش آن‌ها افزایش می‌یابد. (به جدول ۴ رجوع شود)

نتایج ضریب همبستگی پیرسون به منظور تعیین رابطه‌ی عامل‌های شخصیت پدران با طرد و پذیرش پدران در گروه دانش‌آموزان دختر نشان داد که از بین عامل‌های شخصیت پدران، عامل‌های نورووتیزم، توافق و برونگرایی با طرد و پذیرش پدران در گروه دانش‌آموزان دختر رابطه دارد. (به جدول ۳ رجوع شود)

میانگین تعدیل شده‌ی این عامل‌های شخصیت بر حسب طرد و پذیرش پدران، نشان داد که با افزایش توافق و برونگرایی، میزان طرد پدران کاهش و پذیرش آن‌ها افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش نورووتیزم پدران، طرد آن‌ها افزایش و پذیرش آن‌ها کاهش می‌یابد. (به جدول ۴ رجوع شود)

نتایج ضریب همبستگی پیرسون به منظور تعیین رابطه‌ی عامل‌های شخصیت پدران با طرد و پذیرش پدران در گروه دانش‌آموزان پسر نشان داد که از بین عامل‌های شخصیت پدران، عامل‌های نورووتیزم، توافق، باز بودن و وجدانی بودن با طرد و پذیرش پدران در گروه دانش‌آموزان پسر رابطه دارد. (به جدول ۳ رجوع شود)

میانگین تعدیل شده‌ی این عامل‌های شخصیت بر حسب طرد و پذیرش پدران، نشان داد که با افزایش میزان توافق، باز بودن و وجدانی بودن، میزان طرد پدران کاهش و پذیرش آن‌ها افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش میزان نورووتیزم، میزان طرد پدران افزایش و پذیرش آن‌ها کاهش می‌یابد. (به جدول ۴ رجوع شود)

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که در گروه دختران با افزایش میزان باز بودن و باوجدان بودن مادر، طرد مادر کاهش و پذیرش او افزایش می‌یابد. در گروه پسر نیز نتایج مشابهی به دست آمد. در گروه پسران با افزایش میزان توافق، باز بودن و باوجدان بودن پدران، طرد پدر کاهش و پذیرش پدر افزایش می‌یابد، همچنین افزایش میزان نوروtizم در این گروه با افزایش میزان طرد پدر و کاهش پذیرش او مرتبط است.

مطالعات گذشته نشان دهنده این مطلب است که هم شخصیت مادران و هم شخصیت پدران، در نحوه فرزند پروری آنها تأثیر می‌گذارند. از بین پنج عامل بزرگ شخصیت سه عامل نوروtizم، توافق پذیری و وجدانی بودن از برجسته ترین عوامل در پهنه تحقیقات مرتبط با شخصیت می‌باشند که با فرزند پروری مرتبطند. (کلارک و همکاران، ۲۰۰۰؛ لوسویا و همکاران، ۱۹۹۷، پریزی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۵) والدینی که در عامل نوروtizم نمره کمتر و در توافق پذیری و با وجدان بودن نمره بالاتر کسب کرده‌اند، خود را بیشتر با مسائل کودکانشان درگیر می‌کردند و با آن‌ها بیشتر ارتباط برقرار می‌نمودند، در نتیجه پاسخگوتر بودند و محدودیت‌های منطقی بیشتری اعمال می‌کردند. مادران با وجدان‌تر محدودیت‌های کمتر اعمال کرده و خود را با مسائل فرزندانشان بیشتر درگیر می‌نمایند؛ بنابراین فرزندان این مادران درون‌ریزی‌های کمتر رفتاری دارند. (الیور<sup>۲</sup>، گرین<sup>۳</sup>، کافمن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹) این مادران پاسخگوتر و جرأت‌مندتر از والدینی هستند که نمره وجدانی بودن پایین دارند. (کلارک و همکاران، ۲۰۰۰) این عامل در والدین با اعمال محدودیت‌های منطقی در فرزند پروری مرتبط است. (بامریند، ۱۹۹۶)

در پژوهش حاضر در گروه دختران با افزایش میزان توافق و برون‌گرایی پدر، کاهش طرد و افزایش پذیرش پدر را شاهد بودیم. همچنین افزایش نوروtizم پدر با افزایش طرد و کاهش

1-Prienzie

2-Oliver

3-Guerin

4- Coffman

پذیرش مرتبط بود. به طور کلی نورو تیزم در پدران با طرد و پذیرش، هم در گروه پسر و هم در گروه دختر ارتباط داشت.

دو بعد از ابعاد شخصیت، یعنی برون گرایی و توافق پذیری نشان دهنده تعاملات بین فردی بوده که با پاسخگو بودن ارتباط دارند. از این رو والدینی که برون گراتر و توافق پذیرتر هستند، نورو تیزم کمتری داشته و از شیوه های کنترل آمرانه تری استفاده می کنند. (هیوور<sup>۱</sup>، اتن<sup>۲</sup>، وریس<sup>۳</sup>، انجل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹)

بر اساس یافته های موجود والدین برون گرا، پذیراتر و حمایت کننده تر بوده و بیشتر از این که ویژگی والدین مستبد را داشته باشند، ویژگی والدین مقتدر را دارند. همچنین فرزندان خود را بر اساس یک روش مثبت تربیت می کنند. (بلسکی و باندرز، ۲۰۰۲) والدین توافق پذیر نیز حمایت کننده تر بوده و بیشتر تمایل به اقتدار دارند تا استبداد. (کوچنسکا، کلارک، و گلدمن<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷؛ لوسویا و همکاران، ۱۹۹۷) از طرفی تحقیقات نشان داده اند، والدینی که توافق پذیری کمتر و نورو تیزم بیشتری دارند پریشانی، بی قراری و عصبانیت بیشتری نشان می دهند؛ این خصوصیات در برخی مواقع باعث می شود والدین قواعد و نظم سختی را در ارتباط با کودک خود حاکم کنند و ارتباط صمیمانه کمتری با کودکان خود داشته باشند. همچنین باعث افزایش تعارض در تعاملاتشان می شوند. (گیرت<sup>۶</sup> و همکاران ۲۰۰۹)

والدینی که سطوح بیشتری از توافق پذیری و برون گرایی و سطوح کمتری از نورو تیزم را نشان می دهند، فرزند پروری گرم تر و ساختار یافته تری دارند. این والدین تعاملات مثبت بیشتری نشان می دهند، به اندازه کافی پاسخگو هستند و محیطی که در آن کودکانشان را تربیت

<sup>1</sup>-Huver

<sup>2</sup>-Otten

<sup>3</sup>-Vriess

<sup>4</sup>-Engels

<sup>5</sup>-Goldman

<sup>6</sup>-Geert

می کنند، ساختار یافته تر و با ثبات تر است (اسمیت<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۷). این والدین نسبت به دیگر والدین حمایت کننده تر و شکیباً ترمی باشند و از تلاش کودکانشان در جهت استقلال حمایت می کنند و این حمایت را یک خصیصه مثبت می دانند نه خدشه ای به اقتدارشان. در کل می توان اذعان داشت که والدین با ویژگی های شخصیتی وجدانی، باز نسبت به تجارب، دارای توافق و برونگرا، والدینی پذیرنده و والدین با ویژگی های شخصیتی نوروتیزم والدینی طرد کننده می باشند.

### منابع

- ۱- حق شناس، حسن. (۱۳۸۵). طرح پنج عاملی ویژگی های شخصیت، شیراز: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
- 2- Baumrind, D. (1996). Effects of authoritative control on child behaviors. *Journal of Child Development*, 37, 887-907
- 3- Belsky, J. (1984). The determinants of parenting: A process model. *Journal of Child Development*, 55, 83-96.
- 4- Belsky, J., & Barends, N. (2002). *Handbook of parenting Children and parenting*, 1, 415-438 .
- 5- Belsky, J., Crnic, K., & Woodworth, S. (1995). Personality and parenting: Exploring the mediating role of transient mood and daily hassles. *Journal of Personality*, 63, 905-929.
- 6- Clark, L. A., Kochanska, G., & Ready, R. (2000). Mothers' personality and its interaction with child temperament as predictors of parenting behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 274-285.
- 7- Costa, P. T., McCree, R. R. (1989). Personality disorders and the five-factor model of personality. *Journal of Personality Disorders*, 4: 362-371.
- 8- Geert, J., Stams, M., Belsky, J., Dekovic, M., Reijntjes, H. A., Prinzie, P. (2009). The Relations Between Parents' Big Five Personality Factors

<sup>1</sup> -Smith

and Parenting: A Meta-Analytic Review. *Journal of Personality and Social Psychology*, 97, 351–362.

9- Huver, R. M., Otten, R., Vries, H., Engels, R. C. (2009). Personality and parenting style in parents of adolescents. *Journal of Adolescence*, 33, 1–8.

10-Kochanska, G., Clark, L. A., & Goldman, M. S. (1997). Implications of mothers personality for their parenting and their young children's developmental outcomes. *Journal of Personality*, 65, 387–420

11-Losoya, S. H., Callor, S., Rowe, D. C., & Goldsmith, H. H. (1997). Origins familial similarity in parenting: A study of twins and adoptive siblings. *Journal of Developmental Psychology*, 33, 1012–1023.

12-Metsapelto, R. L., Pulkkinen, L.(2003). Personality traits and parenting: neuroticism, extraversion, and openness to experience as discriminative factors, *European Journal of Personality*, 17, 59–78.

13-Oliver, P. H., Guerin, D. W., Coffman, J. K. (2009). Big five parental personality traits, parenting behaviors, and adolescent behavior problems. *Journal of Personality and Individual Differences*, 47, 631–636.

14-Prinzle, P., Onghena, P., Hellinckx, W., Grietens, H., Ghesquière, P., & Colpin, H. (2005). Direct and indirect relationships between parental personality and externalizing behaviour: The role of negative parenting. *Journal of Psychological Belgian*, 45,123–145.

15-Rohner, R. P. (2004). The parental "acceptance rejection syndrome": Universal correlates of perceived rejection. *Journal of American Psychologist*, 59, 827-840.

16-Rohner, R. P., Khaleque, A., & Cournoyer, D. E. (2005). Introduction to parental acceptance rejection theory, methods, evidence, and implications. In R. P. Rohner & A. Khaleque(Eds.) *Handbook for the study of parental acceptance and rejection* (4th editin)(pp. 1-35). Storrs, CT: Rohner Research Publications.

17-Rohner, R. (2007). *Handbook for the study of parental acceptance and rejection*. USA: Rohner Research Publications.

18-Smith, C. L., Spinrad, T. L., Eisenberg, N., Payne, T., K., Gaertner, B. M.,& Maxon, E. (2007). Maternal personality: Longitudinal relations to parenting behavior and maternal emotional expressions toward toddlers. *Parenting Journal of Science and Practice*, 7, 305–329.